

Tazareh Damghan Stone Fortress: A Defensive and Multi-purpose Structure

Shima Doolabi 

PhD student in Islamic history, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran.

Mohammad Nabi Salim * 

Assistant Professor, Department of History, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran.

Introduction:

Tazareh is a castle in the Northeast of Damghan in a strategic and defensive position, surrounded by mountains and impassable roads is worthy of investigation in order to study the components of passive defense. This defensive castle is located at the mouth of the waterway entrance of Tazareh village and on the crossing way between the Northern and Southern areas of the Alborz mountains. In terms of positioning, camouflage, reinforcement and some other basics, passive defense has unique features.

Literature Review:

There is no independent research about the introduction of Tazareh Castle in Damghan except for a few lines in Rezaei's article and his colleagues(2013). However, in the articles that refer to the field of passive defense in Iran's historical castles and fortifications, there are a number of articles by Asgharian Jadi (2010), Pirmohammadi & Saqae (2016), Farzin(2020), Hajilo et colleagues (2021) that can be considered and used. Then, This subject has needful in the Indigenous Knowledge.

Methodology:

The study and identification of Tazareh Castle is based on the descriptive-analytical research method and on the basis of field surveys and library studies. The basic framework and shape of the current research relies on local visits and with the help

Corresponding Author: mohsen1967@gmail.com

How to Cite: Doolabi, S; Salim, M. N. (2023). Tazareh Stone Castle Of Damghan: A defensive and multi-purpose fortress, *Semiannual Journal of Indigenous Knowledge Iran*, 10(20), 81-111.

of necessary tools such as photos, slides and the map of the transit routes. GIS, map, plan, geomorphological maps

Results:

From the point of view of the principles of passive defense, especially locating, camouflage, strengthening, build obstacles and dispersion, Tazareh fortress prevented the access and direct view of the enemy, and in the field of architectural design, by observing points such as multi-functional space, reparability, security of buildings, emergency crossings and internal-external facade design, as a defense structure, have played a key role in maintain the security of human dwellings and economic centers.

Discussion:

The environmental geography of Tazareh fortress has benefited from several requirements for defensive purposes, including: the strategic and defensive location (camouflage) in connection with the two mountainous and desert climates of Damghan region, providing social security to the inside and outside of the residential areas of Tezreh, protecting the water sources of the underground aquifers in the east of Damghan, the connection ring with the temporary routes of people's traffic between Tabaristan and Qomess and also, two general types of facilities can be seen in the construction of the castle: A- Natural, including: being placed on a height, relying on the mountain and the strategic location and B- Artificial, including: ramparts, towers, ditches and other man-made structures. Among the other requirements of the defense architecture of Tazreh Castle, it can mention: spatial multi-functionality, interior architecture, restoration and the location of the entrance of the castle. By considering the hypotheses of the connection of the castle with the ruling center of the region and the hegemony of the passage ways and water sources, the multi-purpose aspect of this fortress is clearly defined.

Conclusion:

Tazareh castle has a strategic location and a protective application, which is worthy of attention from the aspect of the basics of passive defense. Considering the principle of location, the builders of the fortress built their defense facilities in an impregnable place and benefited from passive defense elements such as the strategic location in the region, the use of slopes, walls and natural cliffs to defend the settlements and the financial and water resources of the region, the ability to use stone, mortar and building materials of the region, as well as the skill of building high and strong walls and towers, have succeeded in building a multi-purpose and

stable fortress. Tazreh fortress can be investigated from various historical and archaeological aspects, but apparently, the existential philosophy of this castle could be for several reasons:

1- Due to the situation of Souq Al-Jishi, the castle is at the only entrance to the village and Alborz pass, the castle was built to protect human settlements and monitor the east and west passes of Qoms province.

2- Looking at the ancient roots of the name of Tazreh, it may be suggested that the current village of Tezreh was the summer residence of the ancient rulers and the castle was used to preserve part of the government's treasures.

3. Although it is not possible to find an exact relationship between the Tazreh castle and the castles of the Ismaili sect in the mountains north of Damghan, such as: Mansourkoh and Gardkoh, etc., but perhaps in the same centuries of Ismaili activism, this fortress was considered as a refuge to prevent invasions and natural hazards.

Acknowledgments:

The authors of this article are grateful to the intellectual and technical guidance of Ruhollah Khalilnejadi, Maziar Torabi, Mahdi Amini and Hossein Khalilnejad, who helped the authors in solving some ambiguities and preparing maps and drone equipments.

Keywords: Architecture, Tazareh, Damghan, Castle, Passive Defense

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



دژ سنگی طزره دامغان: سازه‌ای پدافندی و چندمنظوره

دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران.

شیمای دولابی

استادیار گروه تاریخ، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران.

محمدنبی سلیم

چکیده

محدوده این پژوهش بررسی سازه‌ای برخوردار از موقعیت پدافندی و جایگاه ژئواستراتژیک در ایران است که با مؤلفه‌های ویژه خود چون: توان دفاعی، جغرافیای بازدارنده، اشراف محیطی و اتصال گذرگاهی، نقش مهمی در پدافند غیرعامل سکونتگاه‌های انسانی داشته است. قلعه باستانی طزره دامغان یکی از بناها و شبکه‌های پیشگیرانه پدافندی ایران است که ناشناخته باقی مانده است. این قلعه در پیوست با تحولات تاریخی و جغرافیایی، مانع آسیب‌پذیری جامعه انسانی و موجد تقویت امنیت محلی بوده است. هدف این تحقیق، با استفاده از روش تلفیقی پژوهش کیفی و تفسیری شامل، مشاهدات میدانی و مطالعات تحلیلی، موقعیت سنجی و تفسیر مبانی پدافندی قلعه طزره دامغان و جهات اهمیت پدافند غیرعامل آن است. یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارند که ویژگی چندوجهی و تدافعی این دژ، آن را از جنبه عناصر پدافند غیرعامل مانند: مکان‌یابی جغرافیایی، پوشش و پنهان‌سازی تأسیسات، موانع تراشی و بهره‌مندی از دیواره‌های حفاظتی حائز اهمیت نموده است. به نحوی که لایه‌بندی دفاعی و تدابیر پدافندی، مکانیت قلعه را در موقعیتی برتر قرار داده است.

واژه‌های کلیدی: معماری، طزره، دامغان، قلعه، پدافند غیرعامل

مقدمه

بر پایه شواهد تاریخی، از جمله تدابیر پدافندی ایرانیان، ایجاد استحکاماتی در نقاط مختلف کشور بود که به چهار دسته عمده: دیواره‌ها، قلاع صخره‌ای، دژهای کوهستانی و حصاربندی سکونتگاه‌ها تقسیم می‌شد. چنین تنوعی ناشی از آن بود که از هزاره اول پ.م، ایرانی‌ها ناگزیر شدند تا علاوه بر تعیبه حصار دفاعی در برابر حیوانات و بلایای طبیعی، در برابر یورش سهمگین مهاجمان انسانی نیز موانعی ایجاد کنند (پازوکی، ۱۳۸۷: ۲۹۹ و ۳۰۴). اصولاً، از یک دیدگاه، قلعه‌های باستانی ایران بر حسب موقعیت جغرافیایی به دو نوع جلگه‌ای و کوهستانی تقسیم می‌شوند و ظاهراً ویژگی‌های ذیل در مورد اکثر دژهای باستانی عمومیت دارد: مکان‌یابی برای ساخت قلعه بر حسب ضرورت‌های جلوگیری از تهاجم دشمن در مدخل‌های ورودی، جنبه کاربردی برای انباشتن ذخایر یا آذوقه یا تسلیحات، ساخت حصارهای افراشته و برج‌های دیده‌بانی در برابر نقاط آسیب‌پذیر دژ و اجتناب از تقویت دیوار در سمت منتهی به دره‌ها، تأسیس دو نوع برج دیده‌بانی و استحکامی با ساختار متفاوت، کاربرد مصالحی چون: لاشه سنگ، گچ و گل‌اُخراء، کاه‌گل، ملات آهک و ساروج و... (سورتیجی، ۱۳۸۱: ۱۰).

در فرهنگ معماری ایران، قلعه و قلعه سازی به جهات عدیده چون: حفظ امنیت ساکنین روستاها و شهرها در هنگامه نبرد یا یورش مهاجمان، نظارت بر راه‌های تجاری و مواصلاتی، اسکان مخالفین حکومت یا حفاظت از مرزهای سیاسی و در یک کلام، رعایت پدافند غیرعامل مورد توجه ایرانیان بوده و لذا، ساخت قلاع در طول تاریخ همواره تداوم داشته و وجود شمار زیاد قلاع، نشان از اهمیت مسئله پدافند غیرعامل در سکونتگاه‌ها و فن ساخت استحکامات در ایران دارد.

کهن شهر دامغان، که روزگاری تختگاه شاهنشاهی اشکانیان بود، در دامنه جنوبی البرز و با پیشینه‌ای چند هزارساله، دارای یادمان‌های تاریخی متعدد است (Adle, 1993: 632). موقعیت ارتباطی دامغان در مسیر جاده ابریشم و پیوست اقلیمی آن با خراسان بزرگ، سبب شد تا در دوره باستان، این شهر به مرکزیت ایالت کومیسینه درآید، تا جایی

که، در متون نویسندگان مسلمان نیز، گاه از آن با عنوان قومس یاد شده است. (یعقوبی، ۱۳۵۶: ۵۷، میرد، ۱۴۱۸ ق، ج ۱۳۵۸/۳). اهمیت دامغان تا آنجا بود که در اکثر آثار جغرافیدانان مسلمان، وصف این دیار تحریر شده است (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۴۹۸/۲، یاقوت، ۱۳۸۲: ج ۳۵۸/۲).

از آنجا که دامغان در محدوده رشته‌های کوه‌های البرز و حائل بین دشت کویر مرکزی و مناطق کوهستانی و جنگلی جنوب دریای خزر قرار دارد؛ بالطبع برخورداری از مؤلفه‌های پدافندی چون: جغرافیای استراتژیک و موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک باعث اهمیت و نقش آفرینی شهر به عنوان مرکزی برای پدافند مخاطرات منتهی از کویر یا کوهستان شده است. در نتیجه، از بعد پدافندی، دامغان به دلیل موقعیت سوق الجیشی و واقع شدن در یک کریدور چند طرفه بین کویر و کوهساران و بین شرق و غرب، در معرض تخاصمات سیاسی و نظامی بوده است. هرچند، اشتهار این شهر به صدروازه را مرتبط با آبادانی و استقرار در یک مسیر شاهراهی دانسته‌اند (کشاورز، ۱۳۷۰: ۵) و از نقش ارتباطی شهر در توسعه دادوستد بین خراسان بزرگ با سرزمین‌های غربی و تأثیر در مبادلات توأمان اقتصادی و فرهنگی یاد کرده‌اند (طاهریا، ۱۳۹۵: ۳۰). اما آمایش دفاعی و فضای چند عملکردی این خطه با هدف لایه سازی دفاعی در برابر امواج تهاجمات پیرامونی، را نیز نباید از نظر دور داشت.

یکی از تأسیسات پدافندی کمتر شناخته شده در محدوده شهرستان دامغان، قلعه ورودی روستای طزره در دهستان دامنگوه از بخش مرکزی دامغان است. دهکده‌ای محصور در کوه‌ها و در ۴۵ کیلومتری شمال شرقی دامغان که از شمال و جنوب به شاخه‌ای از رشته کوه‌های البرز شرقی و قله چالویی و کرکسی و سه برار محاط است. این روستا، از جنبه زمین ریخت‌شناسی روی گسل طزره-آستانه و با شیبی به سوی شمال قرار دارد (یمانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۹). اکوسیستم منطقه طزره و کوهسار دامنگوه، آب و هوای سرد مرطوب دارد و دارای ارتفاعاتی است که در اکثر سال، پوشیده از برف‌اند و این امر از جهت موقعیت پدافندی قابل تأمل است. در این قسمت، سلسله جبال البرز به طول ۷۰

دژ سنگی طزره دامغان: سازه‌ای پدافندی و ... ، دولابی و سلیم | ۸۷

کیلومتر همچون دیواری عظیم، مناطق جنوبی دریای مازندران را از کویر دامغان جدا کرده‌اند. کوهساری که به دلیل وجود حدود ۳۲ قله با ارتفاع ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ متر، از بلندترین و طولانی‌ترین جبال البرز شرقی محسوب می‌شوند. (سعیدی، ۱۳۹۳: ۱۷۳). از برکت وجود کوهساران پربرف دامنکوه، سفره‌های آب زیرزمینی آب قنات‌های روستاهای کویری شرق دامغان تأمین می‌گردد. بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ ش، جمعیت طزره ۲۶۷ نفر بوده که عمدتاً به کشاورزی اشتغال دارند. (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).

در خصوص نام روستای طزره، ظاهراً، بن نام اصلی، تزر به معنای قصر زمستانه بوده که برگرفته از واژه «تجر» در پارسی باستان است و همانند بنای کاخ تچر در تخت جمشید، به «گنجینه میدان اسب‌دوانی» هم‌معنا شده است (هرتسفلد، ۱۳۸۱: ۲۳۷). در متون ادبیات فارسی، هرچند این واژه با کلمات کوشک و کاخ همراه شده، اما استفاده از آن در کنار جاینام‌هایی چون: شبستان و طارمی که هر دو فضاهایی پوشیده و درون‌گرا به شمار می‌روند، به گونه‌ای کارکرد ویژه آن را بیان می‌کند.

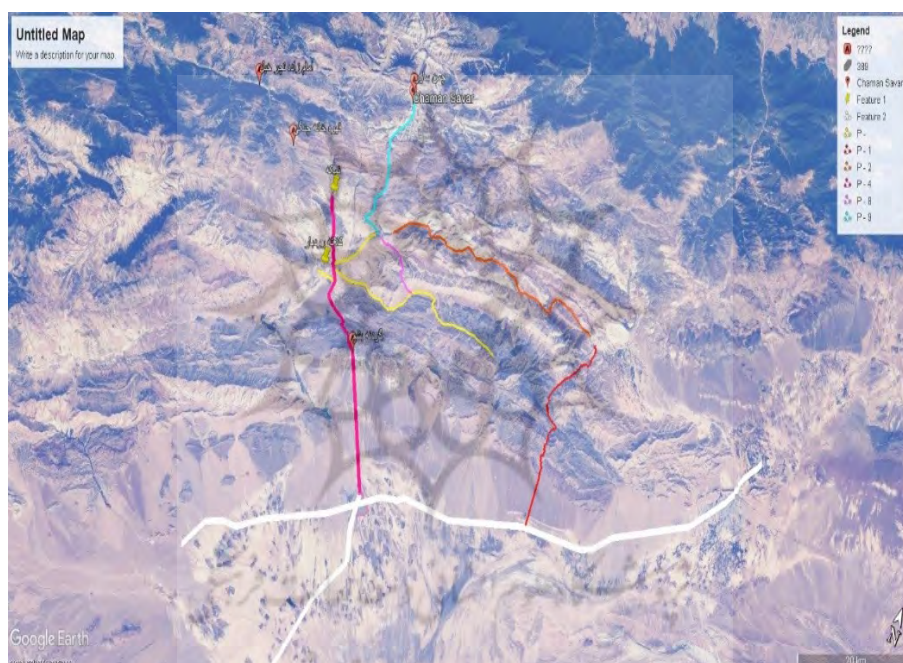
ور نباید که شبستان و طزر نالد زار / سرو بستان به شبستان و طزر باز دهید

(خاقانی، ۱۳۱۶: ۱۶۶).

این روستا دارای یک بقعه مذهبی به نام امامزاده اسماعیل است، که وجود این بقعه در امتداد استقرار دیگر بقاع مانند: امامزاده محمد روستای دیباج دامغان، (نک به لولویی، ۱۳۸۵: ۷۲-۷۵). تأییدی بر مهاجرت سادات مابین قومس و طبرستان بوده و نشان از موقعیت گذرگاهی و پدافندی و قابلیت دسترسی یا اختفا در منطقه را دارد.

در واقع، روستای سوق الجیشی طزره و منطقه دامنکوه دامغان با جغرافیای سخت طبیعی و تدافعی، تنها و درعین حال، دشوارترین مسیر دستیابی از دشت به نواحی امن و خوش آب و هوای کوهستانی و جنگلی بوده‌اند که ناحیه تاریخی قومس را به طبرستان متصل می‌کرده‌اند. از آنجاکه شماری زیادی از معارضان حکومت‌ها و دگراندیشان مذهبی درصدد گریز یا مهاجرت به نواحی امن بودند، انتخاب این مسیر در مورد شماری از

جماعت‌ها مانند: خوارج، علویان، اسماعیلیه و... مصداق دارد و این گزینش خردمندانه پدافندی، عامل کامیابی در مبارزه غیرنظامی و غیرعامل بوده است. لذا طزره از ناشناخته‌ترین و کوتاه‌ترین راه‌های عبور از قومس به مناطق کوهستانی و صعب‌العبور طبرستان بوده، چندان که بر اساس مسموعات نگارندگان از اهالی سالخورده منطقه، مشخص می‌شود که حتی در سال‌های نه‌چندان دور، کارگران فصلی برای کار و یا تهاجر فرآورده‌های روستایی، از این مسیر به مناطق شمالی می‌رفته‌اند (نقشه شماره ۱).



نقشه ۱- مسیرهای دسترسی کوهستانی بین قومس و طبرستان

(مأخذ: نگارندگان با استفاده از نرم‌افزار)

اصولاً استقرار دامغان در دامنه جنوبی البرز، سبب شده تا در جبهه شمالی این شهرستان، تنگه‌های طبیعی و استحکامات دست‌ساز پدیدار گردد که بررسی آنها از جهات مختلف تاریخی و جغرافیایی بایستگی دارد. از جمله، روستای طزره که با قلعه‌ای تاریخی و

دارای سنگ‌نوشته، گویای تاریخی نانوشته است. از جنبه ضرورت تحقیق، قلعه مذکور که در موقعیتی سوق الجیشی و نظارتی واقع شده، نه تنها به شکل دژ دفاعی مستحکمی در چشم‌انداز قرار دارد، بلکه به دلیل ارتباط آن با برخی تحولات تاریخی، از اهمیت ویژه‌ای برای مطالعه و بررسی مبانی پدافند غیرعامل بهره‌مند است.

از آنجا که به دلیل شرایط سخت اقلیمی و دور از دسترس بودن شماری از این قلعه‌ها، پژوهش‌های مکفی و جامع درباره این گونه استحکامات صورت پذیرفته است، هدف پژوهش آن است تا این دژ پدافندی را از جنبه رعایت قواعد پدافند غیرعامل مورد بررسی قرار دهد. نیز بر این نکته تأکید نماید که با وجود جنبه گردشگری قلعه و اهمیت آن از بعد مطالعه اصول پدافندی، متأسفانه روند تدریجی تخریب و عدم محافظت اصولی از آن، توجه جدی به این بنای ارزشمند را گوشزد می‌نماید. پرسش‌هایی که در راستای هدف پژوهش طرح شده‌اند بدین قرارند: ویژگی خاص قلعه طزره از جنبه برخورداری از مبانی پدافند غیرعامل چیست؟ و جغرافیای محیطی سکونتگاه طزره از چه الزاماتی برای آمایش دفاعی بهره‌مند است؟

پیشینه تحقیق

درباره بناهای یادمانی موجود در روستای طزره دامغان، تاکنون نوشتاری درخور، تحریر نیافته است. تنها اشاراتی اندک و گذار در برخی از آثار مربوط به جغرافیای تاریخی دامغان به موقعیت این روستا شده است.

در مقاله دژهای باستانی کومش، حلقه واسطه اساطیر و تاریخ، به قلم رضایی، ایرانشهری و تبریزی، که در ۱۳۸۳ ش در مجله "اثر" چاپ شده، درباره مساحت و دوره زمانی دژ سنگی طزره اشاره محدودی شده، لیکن از جنبه مبانی پدافندی سخنی به میان نیامده است.

مقاله دفاع غیرعامل در ارگ بم» نگاشته احمد اصغریان جدی (۱۳۸۹) به بررسی موقعیت پدافندی در ارگ بم پرداخته و با مقایسه این وجه ارگ با استحکامات جنبه

شلمچه، رعایت اصول مهندسی نظامی و پدافند غیرعامل در این سازه تاریخی را همانند تدابیر دفاعی امروزه و منطبق با مسائل دوران جنگ تحمیلی عراق و ایران و اصول دفاع استراتژیک جمهوری اسلامی ایران دانسته است.

مقاله کریمی و علیپور سیلاب (۱۳۹۲) با عنوان: نگاهی بر مفهوم تاریخی دفاع غیرعامل در عصر اسلامی، به کلیاتی درباره مفهوم دفاع غیرعامل در متون تاریخی و ریشه‌یابی سه عنصر پدافند غیرعامل، یعنی مکان‌یابی، استتار و فریب در رخدادهای تاریخ ایران پسااسلام، با تأکید بر شواهد نوشتاری اختصاص دارد.

تحقیق اصغریان جدی و میرهاشمی (۱۳۹۴) تحت عنوان «دانش بومی پدافند (دفاع) غیرعامل در معماری و شهرسازی دوره‌های تاریخی ایران و نمونه‌های تکامل‌یافته این تجربه‌ها» به‌طور مشروح به کاربرت روش‌های نوین جنگی در حوزه پدافند غیرعامل و الزامات معماری آن، آمایش دفاعی و مصادیق تاریخی مربوطه اختصاص دارد. به ویژه سیر تحول معماری پدافند غیرعامل در شهرسازی و ساخت بناهای کهن، مدنظر قرار گرفته است.

پیرمحمدی و دیگران (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی شیوه به‌کارگیری اصول پدافند غیرعامل در قلعه فلک الافلاک»، به تحلیل اصول دفاع غیرعامل نظیر: مکان‌یابی، مقاوم‌سازی و پوشش در ساخت دژ فلک الافلاک خرم‌آباد و تدابیر پیشینیان در مقاوم‌سازی و اقدامات پیشگیرانه پدافندی در این بنا اشاره داشته‌اند.

فرزین و دیگران (۱۳۹۹) با مقاله «قلعه شاهدژ، پیشرو در اصول دفاع غیرعامل دوره اسماعیلیان در قهستان» بر مطالعه مؤلفه‌های مؤثر پدافند غیرعامل در قلعه اسماعیلی شاهدژ در خراسان جنوبی متمرکز شده‌اند و عناصری چون مکان‌یابی، استتار و فریب را در ساخت و حفظ این دژ مشاهده کرده‌اند.

مقاله «بررسی مؤلفه‌های پدافند غیرعامل در سازمان فضایی و کالبدی قلعه تاریخی مورچه‌خورت اصفهان» از امیر حاجلو و بصیرا سقایی (۱۴۰۰) بر معرفی ویژگی‌های پدافند غیرعامل در قلعه مورچه‌خورت و بررسی چگونگی کاربرد آنها در طراحی ساختار کالبدی

و عناصر معماری این دژ تأکید شده است. به ادعای مؤلفان، سازمان فضایی قلعه بهره‌مند از عناصر پدافندی چون: سهولت تأمین نیازهای حیاتی در هنگام مخاطرات، طراحی غیرمتمرکز بافت مسکونی، بافت محصور و تدافعی و ایجاد گریزگاه و هم‌چنین رعایت اصل فریب می‌باشد.

مقالات دیگری هم درباره اصول دفاع در شهرهای ایران عهد اسلامی در مجلات پدافند غیرعامل و مدیریت و پژوهش‌های دفاعی منتشر شده‌اند که فاقد جنبه مصداقی و تأکید بر سازه‌ای مشخص می‌باشند.

مطالعه و شناسایی قلعه طزره، مبتنی بر روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و بر پایه بررسی‌های میدانی و نیز مطالعات کتابخانه‌ای صورت تحقیق یافته است. چارچوب و شاکله بنیادین پژوهش حاضر، متکی بر بازدید محلی و به یاری ابزارهای لازم نظیر: عکس، اسلاید، نقشه، پلان، نقشه‌های زمین ریخت‌شناسی، GIS و نقشه مسیرهای عبوری بوده است. با هدف جستجو و شناخت پدیده اجتماعی-کالبدی، از جهت‌گیری تبیینی-روایی و جزئی‌نگر استفاده شده و مؤلفه‌های پدافندی در یک سازه حفاظتی معرفی و تفسیر شده‌اند.

مبانی نظری

پدافند واژه‌ای است مرکب از دو جزء «پد» و «آفند» و به معنای ضد جنگ و در اصطلاح کلی به مفهوم اقدامی ناکنشگر یا غیرتهاجمی می‌باشد. در اصل، پدافند غیرعامل دربردارنده مجموعه اقداماتی است که بدون بهره‌مندی از تسلیحات، به حفظ موقعیت و ممانعت از بروز خسارات مالی و جانی ناشی از کارزار رسمی و غیررسمی دشمن منجر می‌شود. (نباتی، ۱۳۸۸: ۵۲) اهمیت این نوع رویه دفاعی-که بر پایه تجارب و شواهد جنگ‌های اعصار تاریخی، آشکار و مدلل شده است و در مقایسه با دفاع عامل از سهولت و بهای کمتری برخوردار می‌باشد؛ عبارت است از: امکان حفظ نیروی انسانی، صرفه‌جویی مالی از جهت حفظ مهمات جنگی، استمرار فعالیت مراکز حساس اقتصادی، سیاسی، نظامی، ارتباطی، افزایش روحیه شهروندان و رزمندگان، تقویت نیروهای پشتیبان و کمکی

برای آفند، و از این رو، اصولی نظیر: مکان‌یابی، استتار، پنهان‌سازی، پوشش، فریب، پراکندگی، تفرقه، مقاوم‌سازی و خیرپراکنی از جمله مؤلفه‌های مهم پدافند غیرعامل تلقی می‌گردد (موحدی نیا، ۱۳۸۹: ۷۴).



اصول و مبانی پدافند غیرعامل (مأخذ: جزوه اصول و مبانی پدافند غیرعامل: بی نا)

اساساً اهداف پدافند غیرعامل عبارت‌اند از: توانایی سامانه‌های شناسایی؛ هدف‌یابی، بالا بردن قابلیت بقا و استمرار عملیات و خدمات‌رسانی؛ کاهش خسارات و صدمات به نفرات و تأسیسات؛ سلب ابتکار عمل از دشمن؛ صرفه‌جویی در هزینه‌های تسلیحاتی و نیروی انسانی؛ فریب و تحمیل هزینه به دشمن؛ افزایش مقاومت نیروهای خودی؛ حفظ انسجام ملی و تضمین تمامیت ارضی و امنیت ملی. پس، سیاست اصلی پدافند غیرعامل مبتنی بر بقا و حفظ امنیت بوده و هدف کلی آن، ایمن‌سازی و کاهش آسیب‌پذیری زیرساخت‌های موردنیاز مردم است، تا به تدریج شرایطی را برای امنیت ایجاد کند. (عطایی کچویی و دیگران، ۱۳۹۶: ۵۸).

بر همین اساس، الزامات معماری در پدافند غیرعامل برای طراحی سکونتگاه‌ها در چند مرحله در نظر گرفته می‌شود: در بخش برنامه‌ریزی، مواردی چون: مکان‌یابی، مانع‌تراشی و پراکندگی، در مورد جلوگیری از دید مستقیم دشمن، مؤلفه‌هایی شامل: استتار، اختفا و فریب و در زمینه طراحی معماری، نکاتی چون: فضای چند عملکردی، مرمت‌پذیری، امن‌سازی بنا، عبوری‌های اضطراری و طرح نماهای داخلی و خارجی مدنظر قرار می‌گیرد. (اصغریان جدی و میرهاشمی، ۱۳۹۴: ۶-۷).

نکته شایان توجه این‌که رویه دفاعی و پیشگیرانه در تاریخ، پیشینه قابل توجهی دارد و استفاده قدما از موقعیت جغرافیایی یا سازه‌ها و یا دیگر امکانات تقابل با دشمن و حفظ امنیت را می‌توان در چارچوب پدافند غیرعامل مورد تأمل قرار داد. از جمله در مورد سازه‌های دست‌ساز که دارای مزیت‌های پدافند غیرعامل داشته‌اند، می‌توان به قلاع اشاره کرد. دشواری فتح قلاع و موقعیت استراتژیکی آنها از جمله عللی بوده که گروه‌های معارض و اهالی مناطق کوهستانی در ایران را طی ادوار گذشته به بهره‌مندی از این قلعه‌ها در جهت تأمین امنیت و تقابل با دشمنان ترغیب می‌نموده است. (ملازاده، ۱۳۸۵: ۱۷).

اصولاً بر طبق اصول پدافند غیرعامل، استفاده از عناصر طبیعی مانند: موقعیت قرارگاهی یعنی استقرار در مواضع مستحکم و نفوذناپذیر، وجه پشتیبان‌گیری یا اتکا به موانع طبیعی و.. یا ایجاد موارد مصنوعی مانند: ساخت برج و بارو، حفر خندق و.. از جمله اصول مهم در چیدمان مواضع دفاعی و قلاع و حتی برخی از کاروانسراها در تاریخ ایران بوده است. تاریخ گواه است که مبارزانی چون اسماعیلیه با مکان‌یابی صحیح و انتخاب مقری در ارتفاعات، به خوبی از اصول پدافند غیرعامل استفاده می‌کردند. زیرا بدون استفاده از تجهیزات رزمی، در برابر یورش‌ها و مخاطرات ایستادگی می‌کرده‌اند. از این رو، در معماری پدافند غیرعامل دژها، به نکاتی چون: ارتفاع، دشواری دسترسی، احاطه بر نواحی و شوارع و استفاده از موانع طبیعی جهت بازدارندگی می‌توان اشاره کرد.

یافته‌ها

در فاصله سپیدرود گیلان تا ارتفاعات غرب خراسان، هشتاد قلعه باستانی وجود دارد که گواه اهتمام ایرانیان به حفظ امنیت سکونتگاه‌های انسانی و کانون‌های اقتصادی است. این دژهای کوهستانی، که تاریخ بنای آنها به ادوار ساسانی و اسلام می‌رسد، بر دو نوع دژهای پارتیزانی و مذهبی-نظامی تقسیم شده‌اند (رضایی؛ ایرانشاهی و تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۱۵). نیز، با توجه به معماری و عنصر مکان‌یابی، قلاع از لحاظ کارکرد به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱- قلاع مسکونی: که دارای پلان مشخص بوده و توسط مالکان یا اربابان جهت سکونت انسانی ساخته شده‌اند.

۲- قلعه-کاروانسراها: برای اسکان موقت و امنیت مسافران در فواصل بین شهرها ساخته شده‌اند.

۳- دژهای نظامی: این قلعه‌ها که در ارتباط با مؤلفه پدافند ساخته شده‌اند، چهار نوع هستند: الف) دارای کارکرد پناهگاهی؛ ب) با کارکرد پدافندی؛ ج) قلاع حاکم نشین (د) قلعه دختر یا دژ تسخیرناپذیر

یک پژوهشگر در بررسی دژهای اشکانی و ساسانی در شمال خراسان، قلاع را به سه گروه کوهستانی، دشتی و استقرار محصور تقسیم کرده و بر آن است که دژهای کوهستانی از جنبه دیده بانی قابل توجه‌اند.

«زیرا تا دوردست اشراف کاملی بر دشت مقابل و رویدادهای پیرامون خود داشته‌اند و وسعت و شکل این گروه از قلعه‌ها وابسته به محدودیت فضا و مکان در ارتفاعات بوده است» (میرزایی، ۱۳۹۹: ۱۰۳-۱۰۴).

یک نمونه، قلعه سراب در جنوب قوچان فعلی است که به دلیل محدودیت فضایی، شامل یک سازه باریک و کشیده همراه با سه برج و تعدادی اتاق چهارگوش در بخش شرقی است و این پلان با قلعه مورد مطالعه در این تحقیق شباهت نزدیکی دارد.

بر اساس بررسی‌ها، استحکامات دفاعی اشکانی، دارای ویژگی‌های مشترکی بودند؛ اکثر قلاع، بر بلندای تپه‌ها و ارتفاعات بنا شده و دارای برج‌های دفاعی مستطیل شکل هستند. برج‌هایی با زاویه قائمه که بر فراز دیوارها ساخته شده و پیش‌آمدگی آنها بیشتر به

طرف نمای بیرونی است. دالان‌های طاق دار دفاعی، معابر مدور با شکاف‌های تیراندازی - که اجباراً به طرف دیوار بیرونی شیب داشته - و یک پایه پیش آمده یا خاکریز سرایشیب از دیگر عناصر حفاظتی این گونه دژها بوده است. (پازوکی، ۱۳۸۷: ۳۰۷). افزون بر این، ایجاد سیستم پدافندی لایه‌ای با ایجاد خندق، دیوار دفاعی و برج‌ها، فضای حائل مابین دیوار اصلی برج‌ها و دیوارهای حفاظتی از دیگر ویژگی‌های استحکامات پارتی است (خسروزاده و هادی‌پور مرادی، ۱۳۹۵: ۱۲۰). چنانکه ساخت اتاق‌هایی در جداره دیوارهای حفاظتی، بر ضخامت دیوار و ایستایی آن افزوده و فضای بام اتاق‌ها، مسیر حرکتی مناسبی را برای سربازان و نگهبانان فراهم می‌کرد و این موارد در معماری قلعه طزره قابل مشاهده است.

قلعه طزره به عنوان یکی از استحکامات مرزی کوهستانی، احتمالاً از نمونه قلاع پارتی است که در گذر زمان، دچار تخریب بسیار شده و شاید بدین خاطر از دید محققان معماری سازه‌های پدافندی به دور مانده است. از آنجاکه به علت تهدید دائمی مرزهای شمال شرق ایران، پارتیان ناگزیر به ایجاد سلسله استحکاماتی برای حفاظت از سکونتگاه‌ها و شوارع بودند، معماری پارتی، در ساخت دژهای مرزی سرآمد شد. نوعی معماری دفاعی که به خاطر شهرهای مدور و متناسب با پدافند شهره است. (اصغریان جدی و میرهاشمی، ۱۳۹۴: ۹). این استحکامات، ترکیب منسجمی از کهن دژ، قلعه و بافت مسکونی پیرامون، در محدوده داخلی کهن دژ، قلعه‌ها و دژهای منفرد با کارکردهای مختلف بوده‌اند و بر مبنای ضرورت‌هایی چون: محافظت از مرزها و راه‌های تجاری، تأمین امنیت حکام یا تثبیت قدرت در سرزمین‌های فتح شده و غیره احداث می‌شده‌اند (خسروزاده و هادی‌پور مرادی، ۱۳۹۵: ۱۱۲). در ارتباط با مؤلفه‌های پدافند غیرعامل در قلعه طزره، می‌توان به این موارد مهم اشاره کرد:

۱- مکان‌یابی

منظور از مکان‌یابی انتخاب بهترین و مطلوب‌ترین نقطه و محل استقرار است، به طوری که پنهان‌سازی نیروی انسانی، تجهیزات و فعالیت‌ها را به بهترین وجه امکان‌پذیر سازد. تجربه نشان داده است که مکان‌یابی صحیح و مطلوب می‌تواند بسیاری از مشکلات

استتار و اختفا را حل نموده، علاوه بر کاهش تهدیدات و آسیب‌پذیری‌های احتمالی، مدیریت بحران را برای افزایش مقاومت ممکن سازد (عطایی کچویی و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۳). از آنجا که در منطقه طزره نیز، به دلیل محاط بودن روستا در میان کوه‌ها و فاصله زیاد محل با قلاع دیگر، شرایط رویارویی و کارزار نظامی طولانی مدت؛ همیشه مقدور نبوده است؛ لذا در این ناحیه هم؛ اصول پدافند غیرعامل مدنظر اهالی قرار گرفته بود. در نتیجه، تردید نیست که معماران قلعه از عناصر مؤثر در پدافند غیرعامل بهره جسته‌اند. مکان‌یابی و استقرار قلعه بر روی بلندی و اشراف آن به راه‌های منتهی به سکونتگاه‌های اصلی یا منابع غنی آب، گواه این مدعا است (Adele, 1993: 633). به نحوی که امکان دسترسی یا اقدام پیشگیرانه از سه جانب مهیا است. قلعه در میان کوه‌های نسبتاً بلند محصور است و نگهبانان یا ساکنان آن، اشراف کافی بر راه ورودی به روستا و مسیر اصلی عبور به سمت کوهساران را دارند و می‌توانستند با تعداد اندکی سرباز، از دهانه تنگه نگهداری کنند.

هم‌چنین، استفاده از مصالح محلی و کشیدن دیوارهای حفاظتی مستحکم و بعضاً دو لایه باعث تقویت جنبه حفاظتی و پدافندی دژ می‌شده است. لذا، از جنبه زیبایی بصری، هیئت دفاعی دژ طزره به سهولت قابل‌رؤیت است. نیز، هنر مکان‌یابی قلعه زمانی هویدا می‌شود که تسلط قلعه طزره بر تنها مسیر ورود به دره اصلی و جانمایی آن در بلندای ایمن از خطر سیل یا ریزش بهمن بر ناظران اثبات می‌گردد.

در آغاز دیدار از دژ سنگی طزره، بعد از عبور از میان کوه‌های نه‌چندان مرتفع منطقه طزره و گذر از کنار معادن زغال‌سنگ، که تقریباً تمامی محدوده معدن را سیاه‌رنگ کرده است، دهانه روستای طزره مشاهده می‌گردد که در جهت جنوبی آن، بر فراز تپه‌ای، بقعه امامزاده اسمعیل قرار دارد. در جهت مقابل بقعه و بر روی دامنه مرتفع جبهه شمالی دهانه روستا، باقیمانده دیواره‌های سنگچین شده قلعه خودنمایی می‌کند. این دژ در زمینی به مساحت تقریبی ۲۰۰ در ۲۰۰ متر و بر سطحی هموار شده، بنا شده است که از جانب شرق با شیب نسبتاً تندی به دره‌ای باریک ورودی روستا منتهی می‌شود. در جبهه جنوبی تپه‌ای که دژ بر روی آن قرار دارد، کوهی بسیار مرتفع و بلند خود را به رخ می‌کشد و ارتفاع

آن‌چنان است که امکان گذر از آن برای همگان مقدور نیست و همین امر، جنبه حفاظتی برای روستای طزره و خصلت امنیتی مکمل برای قلعه ورودی را گوشزد می‌نماید. پس، بر اساس نقشه ژئوپلیتیکی منطقه، تنها راه ورود به روستا، گذر از کنار قلعه و در امتداد دره ورودی است (عکس شماره ۱) و از جانب جنوب و غرب تهدید چندانی متوجه منطقه نبوده است، زیرا وارد شدن به حریم سکونتگاهی روستای طزره، منوط به عبور از تنگه است، که به دلیل مشرف بودن قلعه بر دهانه روستا و امکان مشاهده جاده ورودی تا دره ابتدایی، از موقعیت سوق الجیشی و نظارتی ویژه آن حکایت دارد.

همین امر از رعایت نسبی اصل فریب در جانمایی قلعه حکایت دارد. زیرا محل قرارگیری قلعه در فضای متراکم کوهستان و بر فراز بلندی، مانع از آگاهی بیگانگان از موقعیت حساس ژئوپلیتیکی دژ می‌شود. چنان‌که کشیدن روستای طزره به حاشیه امن کوه و در بالادست رودخانه، به‌مثابه تمهیدات امنیتی، از الگوی آمایش دفاعی در مقیاس خرد (اصغریان جدی و میرهاشمی، ۱۳۹۴: ۲۷) حکایت دارد.



عکس ۱- عنصر تدافعی و مکانی قلعه: اشراف به معبر، حفظ روستا و دسترسی به مسیر طبیعی قومس (مأخذ: اینترنت)

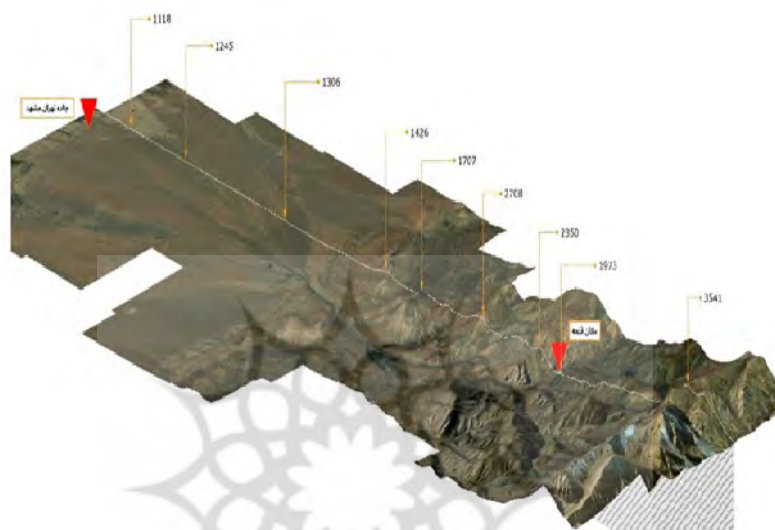
هم‌چنین، نمی‌توان هرگونه ارتباطی را بین وجه کارکردی قلعه طزره با قلاع اسماعیلیه منکر شد. بهره‌مندی قلاع گردکوه و منصورکوه دامغان از مختصات پدافند غیرعامل از جمله مکان‌یابی ارتفاعات محاط، اختفای انبارها، مقاوم‌سازی استحکامات، ایجاد راه‌های مخفی عبوری و.. واقعیتی انکارناپذیر است و همین سیاست پدافندی باعث ماندگاری حضور اسماعیلیان در منطقه قومس شده بود.

با توجه به دو نوع کلی آمایش دفاع غیرعامل در معماری ایرانی (نک: اصغریان جدی و میرهاشمی، ۱۳۹۴: ۱۱-۱۲)، به نظر می‌رسد که ملاحظات هر دو مقیاس خرد و کلان در آمایش پدافندی در دژهایی چون قلاع اسماعیلیه و به ویژه قلعه طزره دامغان کاربرد داشته است. زیرا مکان‌یابی، لایه‌های دفاعی و سازه‌ای چند عملکردی در کنار طراحی الگوی مسکن در تعامل با دفاع و همگونی توسعه بافت با مسئله پدافند در طراحی و ساخت فضای کالبدی و پیرامونی قلعه در نظر گرفته شده است. بر همین اساس، علاوه بر بهره‌مندی از موقعیت ژئواستراتژیک و اشرافیت بر محیط پیرامونی، از عامل استتار در لایه‌های سنگی کوهستان همجوار نیز برخوردار بوده و مانع از سهولت دسترسی و شبیخون دشمن به سکونتگاه محلی می‌شده است.

۲- اختفا و پوشش

اصولاً، بررسی شکل اولیه و موقعیت مکانی قلعه، وجود دژری نظامی و استراتژیک را در ذهن متبلور می‌سازد. شکل هندسی قلعه تقریباً مستطیل شکل است که طول اضلاع آن در جنوب عریض‌تر و پهن‌تر بوده و هر چه به طرف شمال کشیده شده، باریک‌تر می‌شود. گویا هر چه به سمت تنها راه نفوذ دشمن نزدیک‌تر می‌شود، مانند نوک پیکان تیزتر شده و با باریک شدن دماغه، وضع پوشش پدافندی بهتری به خود می‌گیرد. شاید به خاطر یورش ناگهانی از جانب دشمن، ساخت قلعه بسیار سریع و بدون زیرسازی و آماده سازی بخش‌های بیرونی تپه اتفاق افتاده است. این امر را می‌توان از عدم تسطیح زمین‌های نسبتاً هموار ضلع شمالی تپه و نیز نازک بودن دیوارهای شمالی دژ می‌توان گمانه‌زنی کرد.

(عکس شماره ۲) هرچند، محاط بودن شمال قلعه به کوه‌های کم ارتفاع دامنگوه، به عنوان یک عامل اختفا، می‌تواند باعث آسودگی خاطر سازندگان دژ از ضلع شمالی بوده باشد.



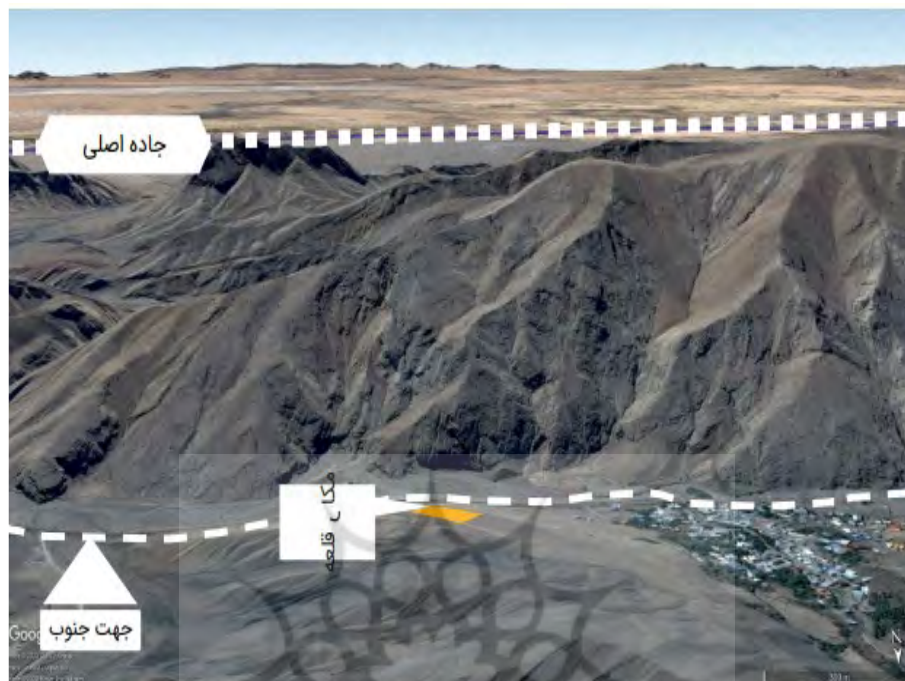
عکس ۲- برش مقطعی جغرافیای طزره: مبین مؤلفه مکان‌یابی و استتار (مأخذ: نگارندگان)

با این‌که تقریباً بخش عمده دیوارها از بین رفته‌اند، اما در فواصل معینی در سه ضلع محوطه، تل‌های نسبتاً بزرگی از خاک و سنگ وجود دارد که حکایت از وجود سه برج مدور نگهبانی دارد. برج‌های باقیمانده که برای دیده بانی و دفاع کاربرد داشته‌اند، به ارتفاع ۸ متر و عرض ۴ متر، نشان از گنجایش تعداد قابل توجهی سرباز و تیرانداز دارند. تعداد برج‌ها در امتداد دیواره جنوب و جنوب شرقی قلعه، نشان از حساسیت این بخش از قلعه و جلوگیری از رخنه دشمن دارد. ظاهراً دیوارهای شمالی و غربی برج نداشته‌اند و به دلیل وجود رشته ارتفاعات شمال قلعه و ضرورت اتصال دژ با داخل روستا، خطری از این سمت متوجه سربازان نبوده است و لذا دیواره‌های آن نیز از ضخامت کمتری برخوردارند. این نکته، یکی از جنبه‌های مهندسی پشتیبانی، از منظر طبیعی، را گوشزد می‌کند.

در ضلع جنوبی، که عریض‌ترین دیوارها را دارد، یک برج متصل به دیواره شرقی قرار دارد که دارای اتاقکی است که از بیرون قلعه شروع شده و مانند راهرویی به درون قلعه کشیده شده است. سند این مدعا تل بزرگی از خاک و سنگ در مساحت و مقیاس بزرگ‌تر از مساحت و مقدار برج‌های دیگر قلعه می‌باشد (تصویر شماره ۳) محتمل است که این اتاقک محلی برای استراحت سربازان یا بازرسی تازه واردین به قلعه بوده است.



عکس ۳- بقایای دروازه اصلی قلعه و نماد اشراف مکانی (مأخذ: نگارندگان)



عکس ۴- بهره بری از اصول استتار و مکان‌یابی قلعه به پشتوانه کوهسار (مأخذ: اینترنت)

تنها بقایای باقی‌مانده از دیوار قلعه در ضلع شرقی می‌باشد، هرچند این دیوار هم از گزند آسیب دوران مصون نمانده است. اینکه چرا فقط دیوار شرقی بجای مانده است، جای سؤال دارد. شاید چون، تنها از جانب جنوب شرقی امکان تهاجم و نفوذ به طزره بود، بعد از تخریب احتمالی دژ اشکانی، در دوره اسلامی، برای محافظت از روستا، دیوارهای این ضلع را مرمت کرده و آن را قطورتر ساخته‌اند. نیز، محتمل است با توجه به وقوع جنگ بین خوارج ازارقه به سالاری عبیده بن هلال با لشکریان خلیفه اموی در سال ۷۷ هـ ق (طبری، ۱۳۷۵: ج ۳۶۴۹/۸) که یحتمل همین قلعه می‌باشد، ترمیم بخش‌هایی از باروی قلعه، توسط خوارج صورت گرفته باشد. باور اهالی به وقوع نبرد بین اولیاءالله و سپاه اموی، در جوار این قلعه و وجود منطقه‌ای بنام رزگاه (احتمالاً رزمگاه) در پایین دست دژ، می‌تواند دلیل خوبی برای پناه آوری مخالفان خلیفه به قلعه باشد (کشاورزبان، ۱۳۷۰: ۱۵۵-۱۵۶).

شایان ذکر است که یکی از قلل رفیع شمال شرق طزره، که ماهیت پوششی برای قلعه دارد، به محمد حنفیه موسوم است. این قله ۳۴۷۵ متری که در ۳ کیلومتری روستای مهمان دویه واقع شده و سرچشمه اصلی نهر و رودخانه شش آسیاب و تأمین‌کننده چاه آب روستاهای شرق دامغان است. ظاهراً دلیل انتساب این کوه به شخص محمد حنفیه (متوفی: ۸۱ هـ.ق)، فرزند امام علی (ع)، آن بوده که از منظر عامه، ۴۴۰۴ نفر از پیروان محمد حنفیه با عمال حجاج ثقفی، فرماندار عراق در زمان خلیفه عبدالملک بن مروان در اینجا نبرد کرده و کشته شده‌اند و سپس مدفن آنها به مزار مشایخ یا اولیا الله شهرت یافته است (سعیدی، ۱۳۹۳: ۲۰۰ و لولوئی، ۱۳۸۵: ۷۴).

۳- مقاوم‌سازی

از جنبه ایجاد موانع و مقاوم‌سازی استحکامات دفاعی، می‌توان به خندق پیرامونی قلعه اشاره داشت. بر اساس مشاهدات میدانی و تصاویر هوایی، بخشی از زیر پای دیوار جنوبی قلعه و نیز در اطراف برج‌ها خندقی به ژرفای ۲ متر حفر شده بود که با گذر زمان و فروریختن دیوار، تقریباً پر شده است و امروزه چندان مشخص نیست. (تصویر شماره ۵) وجود این خندق نیز دلیل دیگری بر آسیب‌پذیری ضلع جنوبی قلعه می‌باشد. ممکن است ساکنان قلعه، خندق را در ذیل دیواره‌های غربی و شرقی قلعه هم حفر کرده باشند، اما به دلیل ریزش دیوارها و عدم استفاده دائمی از این بخش، خندق پر شده باشد. باید به مصالح به‌کاررفته در دیوارها، باید به سنگ و ملاط گل اشاره کرد که سنگ‌های آن از محیط پیرامونی تأمین شده و ملاط نیز از استحکام‌چندانی برخوردار نبوده است. نکته دیگر، افزوده‌های احتمالی دوره‌های بعد به ارتفاع دیوارها است که با استفاده از مصالح ابتدایی محیط اطراف بر ارتفاع و ضخامت دیواره قلعه افزوده است. آثار استفاده از گل برای بلندسازی دیواره جنوبی و بر روی ردیف سنگ‌چین اولیه کاملاً نمایان است، که خبر از سستی در استحکام‌سازی دژ دارد. چراکه سنگ در این مصالح جدید به کار گرفته نشده است و آثار تخریب شدید باران و برف، که مشخصه این منطقه می‌باشد، به خوبی

دژ سنگی طزره دامغان: سازه‌ای پدافندی و ... ، دولابی و سلیم | ۱۰۳

مشهود است. در ساخت باروها مصالح اصلی از لاشه سنگ و یا مصالح بوم آورد است که این امر سبب تقویت وجه پدافندی قلعه از جهت عامل استتار شده که ناشی از هم‌رنگی مصالح با طبیعت منطقه است.



عکس ۵- نمایی از خندق اطراف قلعه در جبهه جنوبی برای رعایت اصل پدافندی

مقاوم‌سازی (مأخذ: نگارندگان)

نکته مهمی که پس از رؤیت عکس‌های هوایی (تصویر شماره ۶)، متوجه می‌شویم، وجود دیواره دیگری، در پشت دیوار اصلی ضلع جنوبی می‌باشد، شاید این دیواره دوم در تمامی قلعه وجود داشته، اما به علت تخریب شدید قابل تفکیک و دیدن نیست و این که چنین دیواره‌ای در سمت جنوبی مشهود است، می‌تواند به دلایل ذیل باشد:

(۱) نخست آن که سازندگان، با ساختن این دیواره، درصدد به وجود آوردن لایه پدافندی دیگری بودند که پشتیبان و مقاوم‌کننده دیوار اول و اصلی قلعه بوده است. در

واقع، ایجاد دیوار پشتیبان و سپس حفر خندق برای تقویت این دیوار، که تنها در نقاط غیر محاط به موانع طبیعی دیده می‌شود، از مصادیق هنر پدافند غیرعامل است.

۲) دیگر آن‌که شاید با ساختن این دیوار دوم در امتداد دیوار بیرونی، راهروی کم عرضی ایجاد کرده‌اند تا تردد و تحرک مدافعان در بین برج‌ها سرعت و سهولت بیشتری پیدا کند.

در دیواره جنوبی قلعه، سوراخ‌های کوچکی تعبیه شده است که مشخص نیست، آیا به‌مثابه منافذ تیراندازان، برای قرار گرفتن لوله تفنگ و شلیک به مهاجمان بوده است یا خیر. که در این صورت، می‌توان حدس زد که در ادوار جدیدتر نیز از قلعه مذکور استفاده نظامی و تدافعی می‌شده است.



عکس ۶- تصویر هوایی قلعه طزره از جبهه شمالی: مبین مقاوم‌سازی و مکانیت (مأخذ: نگارندگان)

وجود تعدادی سنگ قبر در محوطه داخلی و نیز خارج از قلعه، می‌تواند بدین معنا باشد که در مواقع اضطرار و محاصره قلعه، درگذشتگان را در همان‌جا دفن می‌کردند و به گذاشتن سنگی ساده بر مزار آنها اکتفا می‌نمودند. جای بسی تأسف است که علاوه بر ردپای گذر زمان و تأثیر حوادث طبیعی و آزمندی جستجوگران دفینه‌های تاریخی، که به محدوده پیرامونی و هم‌چنین فضای کالبدی این قلعه خسارت بسیار وارد نموده است، احداث دکل مخابراتی در داخل محوطه قلعه نیز، چهره این سازه تاریخی را مخدوش نموده است.

از الزامات دیگر معماری پدافندی قلعه طزره می‌توان به: چند عملکردی بودن فضایی، معماری داخلی، مرمت پذیری و موقعیت ورودی قلعه اشاره داشت. با در نظر گرفتن فرضیه‌هایی مبنی بر پیوند قلعه با مرکز حاکم نشین منطقه (تچرگاه) و اشراف بر راه‌های عبوری و منابع آب، وجه چندمنظوره این دژ به خوبی مشخص می‌شود. امری که از تلفیق اقتصاد و دفاع (اصغریان جدی و میرهاشمی، ۱۳۹۴: ۲۴) حکایت دارد. معماری داخلی بنا نیز، چنان‌که از دیواره‌ها، برج‌ها و منافذ قلعه هویدا است، با ویژگی متمایز این سازه تدافعی همخوانی کامل دارد. مصالح به کاررفته در دیوارها، سنگ و ملاط گل هستند و عمده مصالح زیرساختی از سنگ‌های محیط پیرامون تأمین شده‌اند و سهولت دسترسی به خاک و آب، توان مرمت‌سازی دژ را افزایش داده است.

بر پایه آمایش دفاعی معماری مبتنی بر طراحی ورودی، خروجی‌های اضطراری و مطابق نقشه ترسیمی (عکس شماره ۷) ورودی سکونتگاه طزره تنها از طریق گذار باریک رودخانه فصلی ممکن بوده است و استقرار قلعه بر تپه ورودی مدخل روستا، امکان هرگونه نفوذ دشمن را به داخل سکونتگاه، بدون نظارت یا مدافعه قلعه بانان، ناممکن می‌ساخته است. تپه ورودی که در امتداد ارتفاعات زیر قلعه، از جبهه شمالی روستا و پشت به کوهستان، راه خشکی ورود به طزره را باریک و محدود ساخته، مانع بی‌بدیلی در جلوگیری از ورود گسترده لشکر دشمن را ایجاد کرده بود. در قرن اخیر با کشیدن جاده شوسه از میان تپه، راهی برای عبور خودروها به طزره ایجاد شد و رشته ارتفاعات ذیل قلعه

تا گذار باریک رودخانه، به دو قسم تقسیم گردید. شاید انتخاب مدخل سوق الجیشی و باریک روستای طزره، به عنوان مکان مقابله خوارج ازرقی با لشکریان خلیفه عباسی، به دلیل همین موقعیت مکانی دسترس ناپذیر بوده است.



عکس ۷- موقعیت ورودی قلعه و روستا از جنبه دسترس ناپذیری و پدافندی (مأخذ: نگارندگان)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بحث و نتیجه‌گیری

قلعه طزره را باید به‌مثابه دژی برخوردار از موقعیت استراتژیک و دارای کاربرد حفاظتی و پدافندی دانست و با وجود نزدیکی آن به قلاع فرقه اسماعیلیه، نمی‌توان کارکرد پاریرایی برای آن قائل شد، زیرا مساحت قلعه طزره نسبت به قلاع اسماعیلیه کمتر است و با توجه به پیدا نشدن آثار متنوع مادی، احتمالاً سکونت دائمی در آن صورت نگرفته است، چنان‌که عدم وجود حمام، آب‌انبار و اتاق‌های متعدد برای اسکان افراد و حیوانات - که از مشخصه‌های دژهای اسماعیلیان است - در قلعه طزره به چشم نمی‌خورد. حتی با یک نگاه

دژ سنگی طزره دامغان: سازه‌ای پدافندی و ... ، دولابی و سلیم | ۱۰۷

سطحی هم می‌توان متوجه شد استقامت این قلعه در برابر یورش مهاجمان، نه به دلیل ساخت استحکامات دفاعی، بلکه به علت موقعیت ممتاز جغرافیایی و استراتژیک آن است. و این حقیقت، ویژگی منحصر به فرد قلعه طزره را از جنبه برخورداری از مبانی پدافند غیرعامل نشان می‌دهد. یعنی سازندگان دژ با در نظر گرفتن اصل مکان‌یابی، تأسیسات دفاعی خود را در عرصه‌ای مناسب و گزند ناپذیر بنا نهاده‌اند. ظاهراً کاربرد اصلی قلعه، دیده بانی و دفاع از راه‌های عبوری یا سرچشمه قنات‌های منطقه شمال شرق دامغان بوده است. که این امر را می‌توان از وجود برج‌های متعدد نگهبانی بر فراز دهانه ورودی و مرتفع روستا و مشرف به دره جنوبی حدس زد.

از طرف دیگر، جغرافیای محیطی طزره از الزامات چندی برای آمایش دفاعی بهره‌مند است، نظیر:

۱- موقعیت سوق الجیشی و پدافندی (استتار) در پیوست با دو اقلیم کوهستانی و کویری منطقه دامغان

۲- تأمین امنیت اجتماعی نسبت به درون و بیرون مناطق سکونتگاهی طزره

۳- حفاظت از سرچشمه منابع آب سفره‌های زیرزمینی شرق دامغان

۴- حلقه ارتباطی با مسیرهای موقت تردد افراد بین طبرستان و قومس

با این همه، دو نوع کلی امکانات در ساخت قلعه خودنمایی می‌کند: الف: طبیعی: شامل: جای گیری بر بلندی، تکیه به کوهسار و موقعیت سوق الجیشی و ب: مصنوعی، شامل: بارو، برج، خندق و دست‌سازهای انسانی دیگر

از این رو، دلایلی چند موجب اهمیت یافتن این قلعه می‌شده است:

هرچند، دژ طزره از جهات مختلف تاریخی و باستان‌شناسی قابل مطالعه و بررسی است. اما ظاهراً فلسفه وجودی این قلعه می‌تواند به دلایل زیر بوده باشد:

(۱) با در نظر گرفتن موقعیت سوق الجیشی قلعه در تنها دهانه ورودی به روستای طزره و راه‌های کوهستانی البرز، این قلعه برای حفاظت از سکونتگاه‌های انسانی و نظارت بر راه‌های گذری شرق و غرب کومسینه باستانی یا قومس دوران اسلامی ساخته شده است.

۲) با توجه به ریشه باستانی نام طزره، شاید بتوان این فرضیه را داد که روستای طزره فعلی، به‌مثابه کاخ بیلاقی یکی از حکومتگران کومسینه یا شاهان دوره اشکانی بوده و شاید بخشی از گنجینه‌های حاکم محلی در آن نگهداری می‌شده است.

۳) هرچند به درستی نمی‌توان رابطه‌ای بین قلعه طزره با قلاع فرقه اسماعیلیه در کوهستان شمالی دامغان، نظیر: منصورکوه و گردکوه و.. پیدا کرد، اما شاید از این دژ به عنوان مأمن و پناهگاهی در جهت محافظت از تهاجم‌ها و مخاطرات انسانی یا بلایای طبیعی در قرن ۵ ق، استفاده می‌شده است.

از بررسی میدانی قلعه باستانی طزره می‌توان به دانش پدافند غیرعامل نیاکان ما در بهره‌برداری از قواعدی چون: موقعیت سنجی از وضع سوق الجیشی منطقه، استفاده از شیب‌ها، جداره‌ها و پرتگاه‌های طبیعی برای دفاع از سکونتگاه‌ها و منابع مالی و آبی ناحیه، توانمندی در کاربرد سنگ، ملاط و مصالح بوم آورد و مهارت ساخت دیوارها و برج‌های مرتفع و مستحکم با هدف برپایی دژی پدافندی و چند منظوره و پایدار پی برد.



عکس ۸- نمای بازسازی شده دژ طزره و جهات اریعه در پیوست با جنبه پدافندی (مأخذ: نگارندگان)

سپاسگزاری

نویسندگان مقاله، از راهنمایی‌ها و کمک‌های فکری و فنی افراد ذیل در تدوین این مقاله قدردانی می‌نمایند: آقایان روح‌الله خلیل نژادی، مازیار ترابی، مهدی امینی و حسین خلیل نژاد که در رفع برخی ابهامات و تهیه نقشه‌ها و تدارک پهباد، نویسندگان را یاری دادند.

تعارض منافع

تعارض منافع نداریم.

ORCID

Shima Doolabi



<http://orcid.org/0009-0004-1187-3795>

Mohammad Nabi Salim



<http://orcid.org/0000-0002-9252-5300>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- اصغریان جدی، احمد و میرهاشمی، احسان. (۱۳۹۴)، «دانش بومی پدافند (دفاع) غیرعامل در معماری و شهرسازی دوره‌های تاریخی ایران و نمونه‌های تکامل‌یافته این تجربه‌ها»، دو فصلنامه دانش‌های بومی ایران، سال ۲، شماره ۳: ۱-۳۶.
- پازوکی، ناصر. (۱۳۷۸)، «شهر و نقش دفاعی شهرها»، در: آیت‌الله زاده شیرازی، باقر: مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ و معماری و شهرسازی ایران، ارگ بم، ج ۲، تهران: نشر سازمان میراث فرهنگی: ۲۹۷-۳۱۴.
- خاقانی شروانی، بدیل بن علی. (۱۳۱۶)، دیوان خاقانی شروانی. تصحیح علی عبدالرسولی، تهران: مطبعه سعادت.
- خسروزاده، علیرضا و هادی پور مرادی، سهیلا. (۱۳۹۵)، «بررسی استحکامات دفاعی دوره پارتی بر اساس بقایای برجا مانده»، مجله مطالعات ایرانی، دانشکده ادبیات دانشگاه شهید باهنر، سال ۱۵، شماره ۲۹: ۱۱۱-۱۲۷.
- رضایی، محمد، ایرانشهری، عباس و تبریزی، امیرحسین. (۱۳۸۲)، «دژهای باستانی کومش، حلقه واسطه اساطیر و تاریخ»، مجله اثر، سال ۱۳، شماره ۳۶-۳۷: ۱۱۲-۱۳۵.
- سعیدی، مصطفی. (۱۳۹۳)، قلعه‌ها و قلعه‌های کوهستانی دامغان، تهران: نشر مشق شب.
- سورتیچی، سامان. (۱۳۸۱)، قلاع باستانی مازندران، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی ایران.
- طاهریا، محمدعلی. (۱۳۹۵)، تاریخ، فرهنگ و ادبیات دامغان شش هزارساله، تهران: نشر مشق شب.
- کچویی عطایی، محمدحسن و دیگران. (۱۳۹۶) کتاب جامع پدافند غیرعامل، تهران: نشر رسانه تخصصی.
- کشاورز، علی اصغر. (۱۳۷۰)، تاریخ و جغرافیای دامغان، تهران: نشر هیرمند، چاپ دوم
- لولویی، کیوان. (۱۳۸۵)، «دامغان و چشم‌انداز گردشگری با تکیه بر مزارات و بقاع مذهبی»، مجله وقف میراث جاویدان، سال ۱۴، شماره ۶۹: ۵۴-۷۶.
- مبرد، محمد بن یزید. (۱۴۱۸ ق)، الکامل، مقدمه محمد احمد الدالی، ج الثانی، بیروت: موسسه الرساله، طبعه الثالثه.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵)، سالنامه آماری کشور، سرشماری نفوس و مسکن، تهران: نشر مرکز آمار ایران.

دژ سنگی طزره دامغان: سازه‌ای پدافندی و ... ، دولابی و سلیم | ۱۱۱

– مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد. (۱۳۶۱)، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، ج ۲، تهران: انتشارات شرکت مؤلفان و مترجمان.

– ملازاده، کاظم و محمدی، مریم. (۱۳۸۵)، قلاع و استحکامات نظامی، تهران: نشر سوره مهر.
– موحدی نیا، جعفر. (۱۳۸۹)، اصول و مبانی پدافند غیرعامل، تهران: انتشارات دانشگاه صنعتی مالک اشتر.

– میرزایی، آریتا. (۱۳۹۹)، «گونه شناسی قلعه‌های اشکانی و ساسانی شمال خراسان و تعیین جایگاه سیاسی و اجتماعی منطقه بر اساس تعاملات فرهنگی آن»، مجله مطالعات باستان‌شناسی پارسه، سال ۴، شماره ۱۲: ۹۹-۱۱۹.

– نباتی، عزت‌الله. (۱۳۸۸)، مبانی پدافند غیرعامل، تهران: انتشارات دانشگاه فارابی
– هرتسفلد، ارنست. (۱۳۸۱)، ایران در شرق باستان، ترجمه: همایون صنعتی زاده، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

– یاقوت حموی، شهاب‌الدین ابو عبدالله. (۱۳۸۲)، معجم البلدان، ترجمه: علینقی منزوی، ج ۲، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی.

– یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب. (۱۳۵۶)، البلدان، ترجمه: محمد ابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

– یمانی، مجتبی، مقصودی، مهران، قاسمی، محمدرضا و محمد نژاد، وحید. (۱۳۹۳)، «شواهد مورفولوژیکی و مورفومتریکی تأثیر تکتونیک فعال بر مخروط افکنه‌های شمال دامغان»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای طبیعی، دوره ۳۴، شماره ۲: ۱-۱۸.

– <https://Earth.Google.com/Global/.../Damghan...>

– Adle, Sharyar. (1993), Damgan, in: *Encyclopaedia Iranica*. Vol 6. Fascicle 6. Leiden: Brill press: 632-638.

استناد به این مقاله: دولابی، شیما و سلیم، محمدنبی. (۱۴۰۲). دژ سنگی طزره دامغان: سازه‌ای پدافندی و چندمنظوره. دو فصلنامه دانش‌های بومی ایران، ۱۰ (۲۰)، ۸۱-۱۱۱.



Indigenous Knowledge Iran Semiannual Journal is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.